

متن پرسش

اللهم اغننی بتدبیرک لی عن تدبیری استاد حکیم طاهرزاده نظر به پرسش شماره ۲۰۰۵۶ و امر حضرتعالی بر مطالعه ی «ده نکته در معرفت نفس» و «خویشتن خویش»؛ در میان مطالب مطروح در معرفت نفس حضرتعالی بیان فرمودید که: «تن» در قبضه «من» است. به همین جهت هم «تن» انسان از حالات و تأثرات «نفس» متأثر می‌شود. از آنجا که «تن» و «من» در یکدیگر تاثیر و تاثر می‌کنند. دو سوال برای این کمترین به وجود آمده است. نخست این که: کیفیت ترکیب «تن» و «من» در انسان چگونه است؟ (آیا مانند نعناع در آب محلول است. یا به مانند یخ در میانه ی آب معلق؛ یا صورتی دیگر در کار است!) نگفته پیداست که نفس مجرد است و این مثال جهت تقریب به محضر مبارکتان است.) دیگر آن که: تن از من (حقیقت نفس) متأثر می‌شود؛ به راستی چگونه ممکن است «دو شیء در عین دو ذات بودن، مباین و مفارق یکدیگر نباشند؟» آیا با اتخاذ فرض قبول فرمایشان، اصالت وجود را مردود نمی‌یابیم؟ (اگر چه اصالت وجود، ماهیت و نور هر یک در محل خود قابل بحث است؛ لکن باید دانست بیان این جمله بر چه فرضی است.) پاسخ حضرتتان موجب امتنان این فقیر سراپا تقصیر است. دل اندر حسن لیلی بند و کار عشق مجنون کن / که عاشق را زیان دارد مقالات خردمندی ا. دیالمه ۹۶/۰۶/۱۵

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- از انواع وحدت‌ها مثل وحدت ذات و صفات که برای حضرت حق مطرح است، برای وحدت بین نفس و جسم، وحدت انضمامی را مطرح می‌کنند که به نحوی به تدبیر نفس مرتبط است که چگونه بدن را تدبیر می‌کند ۲- اگرچه جسم و روح دو ذات متفاوت‌اند، ولی در رابطه‌ی وجودی، نفس با بدن مغایرتی آن‌چنان ندارد که نفس نتواند آن را از خود بداند. مثل وقتی که شما برای کوبیدن میخ از چکش استفاده می‌کنید در آن حدّ که احساس تان آن است که شما می‌داری که میخ را می‌کوبید، تازه وقتی چکش خراب شد نسبت به آن احساس دوگانگی می‌نمایید. موفق باشید